



Commitments of Governments to Comply with the Fundamental Principles of the International Environmental Law

**Seyyed Bagher Mir
Abbasi**

Professor, Department of Law, Tehran
University, Tehran
mirabbasi@ut.ac.ir

Mohammad Reza Rezaei*

PhD in Private Law, Tehran University,
Tehran
mmmlaw2014@gmail.com

Mahboubeh Sheyoukhi

Master of International Law, Lecturer at
Apadana Institute of Higher Education,
Shiraz
msh14547@gmail.com

Abstract

The discussion of "States' Obligations to Comply with the Fundamental Principles of International Environmental Law", which is discussed in this paper in a descriptive-analytical manner from library and documentary sources, is one of the most important issues in international law because one of the most terrifying aspects today is the widespread deterioration of the environment, especially during activities such as the establishment of chemical plants and the outbreak of conflict, where nature and the environment is the first and weakest victim. Therefore, in order to protect the environment, and in particular, the international environment, countries and international legal institutions, have set and developed rules. These are international treaties that have been drafted globally and regionally and have made binding commitments to them in this regard. We must continue to protect the environment both in times of conflict and in times of peace, and this study seeks to explain how and on what basis the environment can and should be protected and held governments accountable. The internationalization of governments is the result of a gross violation of environmental principles based on which international principles and rules, and its theoretical foundations are described. This responsibility is an obligation imposed on each member of the international community, and in the event of a breach of that obligation, the government will be liable for damages. The process of international responsibility resulting from gross environmental violations has undergone relatively positive changes and many ups and downs. over time but these developments have been very slow and time consuming. In a way, it may not be far from the truth to say that the process of change in this area has been much slower than in other areas of international law. This study concludes that the international liability of states resulting from gross environmental violations in the present age is generally subject to the general rules of international liability in public international law.

Keywords: international environmental law, international law, international obligations, international liability

* Corresponding Author: mmmlaw2014@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

استاد بخش حقوق، دانشگاه تهران، تهران
mirabbasi@ut.ac.ir

دکتر سیدباقر میرعباسی

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران
mmmlaw2014@gmail.com

دکتر محمدرضا رضایی*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، مدرس مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز
msh14547@gmail.com

محبوبه شیوخی

چکیده

بحث «تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» که در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، مجال سخن یافته است یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد چراکه امروزه یکی از جنبه‌های دهشتناک پیش‌رو، تخریب و زوال گسترده محیط‌زیست می‌باشد به‌خصوص در هنگام فعالیت‌هایی همچون تأسیس کارخانجات مواد شیمیایی و بروز مخاصمات و درگیری‌ها، اولین و ضعیف‌ترین قربانی، طبیعت و محیط‌زیست می‌باشد. لذا در راستای حمایت از محیط‌زیست و به‌طور خاص، محیط‌زیست بین‌المللی، کشورها و نهادهای حقوقی بین‌المللی، برای صیانت بهتر از محیط‌زیست، دست به تنظیم و تدوین قواعدی برای حمایت از محیط‌زیست زده‌اند. این‌ها معاهدات بین‌المللی هستند که در سطح جهانی و منطقه‌ای تدوین گشته‌اند و تعهداتی الزام‌آور در این خصوص پیش روی آن‌ها ترسیم کرده‌اند. حال در پی این باید بود که حمایت از محیط‌زیست را هم در زمان مخاصمات و هم در زمان صلح نیز استمرار بخشید و این پژوهش نیز در پی تبیین این مسئله می‌باشد که چگونه و بر چه اساس می‌توان و باید از محیط‌زیست حمایت کرد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض فاحش اصول زیست‌محیطی مبتنی بر کدام اصول و قواعد بین‌المللی می‌باشد و مبانی نظری آن تشریح شده است. این مسئولیت، تعهدی است که بر هر یک از تابعان جامعه بین‌المللی بار شده که در صورت نقض آن تعهد، مسئولیت آن دولت را در جبران خسارات وارده در پی خواهد داشت. فرایند مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض فاحش زیست‌محیطی در گذر زمان و با طی فراز و نشیب‌های زیاد دچار تحولات نسبتاً مثبتی گردیده است. اما تحولات صورت گرفته آرام و تدریجی بوده است. به طوری که می‌توان گفت تغییرات در این حوزه بسیار کندتر از دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل بوده است. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض فاحش زیست‌محیطی در عصر حاضر به‌طور کلی تابع قواعد کلی مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل، تعهدات بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی.

مقدمه

با توسعه‌ی روابط بین‌الملل و حدوث تحولات گوناگون دولت‌ها به تدریج به ارزش برخی باورها و اصول پی برده و سازمان ملل متحد به عنوان تجلی جامعه‌ی بین‌المللی برخی از مقررات بین‌المللی را با محیط‌زیست تلفیق داد و دولت‌ها تشویق شدند که مقررات حمایتی را در رابطه با محیط‌زیست وضع و اجرا کنند هم در حوزه‌های منطقه‌ای و هم در گستره جهانی. به تدریج این اصول از اعتبار قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام و تعهدات عام‌الشمول برخوردار می‌گردند و آلوده ساختن محیط‌زیست هم‌سنگ نقض سایر حقوق بشری تلقی و مسئله‌ی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح می‌شود (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۱۴). این موارد شامل اصل توسعه آگاهانه، اصل احتیاط در استفاده از محیط‌زیست و اصل مسئولیت پرداخت خسارت آلوده‌ساز بود که این ایده ابتدا در انگلستان نضج گرفت و بعدها در مباحث حقوق بین‌الملل و جامعه اروپا چند فصل به آن اختصاص یافت که بعدها اصولی دیگر نیز به آن افزوده شد ولی هنوز منزلت حقوق آن‌ها از لحاظ این که حقوق الزام‌آورند یا توصیه‌ای مشخص نیست.

با وجود توصیه‌ای و غیر الزام‌آور بودن کنفرانس ۱۹۹۲ ملل متحد راجع به محیط‌زیست و توسعه این سند فاقد سازوکار حقوقی برای حمایت از محیط‌زیست بین‌المللی می‌باشد. بعدها اعلامیه هزاره ملل متحد در مورد اهداف توسعه هزاره ضرورت حمایت از اصول توسعه پایدار را در دستور کار ۲۱ یادآور شد. همین‌طور تصمیم اجلاس سران راجع به توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ به ضرورت توجه به این تعهدات برای دستیابی به آرمان‌های ریودوژانیرو ۱۹۹۲ با اصرار بر کاهش فقر تأکید داشت. به این ترتیب در نهایت برخی از اصول ذیل مورد توافق قرار گرفت از جمله:

۱. حاکمیت دولت بر امور داخلی از جمله منابع طبیعی که در واقع به معنای اطمینان از این مسئله است که خسارات فرامرزی محیط‌زیستی دولت را تهدید نمی‌کند.
۲. اصل اقدام فوری به جلوگیری از ورود خسارات
۳. اصل احتیاط
۴. اصل همکاری
۵. اصل توسعه پایدار
۶. اصل مسئولیت پرداخت آلوده‌ساز
۷. اصل اشتراک تنوع مسئولیت‌ها.

تأکید این اصول بر اجرای آن‌ها در قالب قواعد حقوقی است. این اصول پشتوانه‌ی قواعد حقوقی هستند؛ قواعدی که اگر بدون توجه به ارزشمندی این اصول فراگیر به آن‌ها نگرسته شود از هر ارزشی تهی خواهند شد. این نکته را هم باید افزود که این اصول توسط دولت‌های ذینفع برای تفسیر قواعد حقوقی مشخصات مسلحانه به صورت فراوان مورد استناد قرار می‌گیرند. این اصول قابلیت این را دارند که خلأ حقوقی موجود را زمانی که قواعد حقوقی در اثر تکنولوژی متحول می‌شوند و با نیازهای روز سازگاری ندارند برطرف می‌نمایند.

۱- اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

این اصول زیست‌محیطی به عنوان مهم‌ترین دلایل مشروعیت مقررات توصیه‌ای با منشأ نظم عمومی بین‌المللی بوده که استخراج منابع طبیعی و وضع محدودیت‌ها را برای حفاظت از گونه‌ها و اکوسیستم‌ها که مهم‌ترین محل اختلاف و انتخاب‌های دولت‌هاست را بیان می‌کند. این همان تعهدی است که در اعلامیه‌ی ریودوژانیرو در قالب اصل دوم تکرار شده که در قضایای مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ در پاراگراف ۲۹ و «قضیه‌ی گابچیکو ناجیماروس»^۱ در سال ۱۹۹۷ در پاراگراف ۵۳ به آن استناد شد (عزیزی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

به موازات رشد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و افزایش آگاهی‌های عمومی نیاز به تأسیساتی که قادر به ترویج رعایت استانداردهای بین‌المللی محیط‌زیست باشد محسوس است. به ویژه همکاری و همفکری دیوان‌ها و محاکم بین‌المللی تجسم این واقعیت عینی است و در بسیاری مواقع موفقیت این نهادها به عنوان یک طرف ثالث در فرآیند حل و فصل اختلافات منوط به وجود محکمه‌ای متشکل از قضاتی است که با رعایت استانداردهای عالی، بی‌طرف و مستقل تصمیم‌گیری کنند در آن دسته از دعاوی که نیازمند استدلال‌ات فراوان بوده و آرای متخذه مطابق با قواعد متداول حقوقی باشد. تأثیر این آرای در توسعه‌ی هنجارهای زیست‌محیطی غیرقابل انکار است. البته پاره‌ای اوقات محاکم ملی نیز در باب موضوعات زیست‌محیطی آرای ارزشمندی به ویژه در قاره‌ی اروپا صادر می‌کنند. در عین حال حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را گریزی از توسعه و تحول نیست به ویژه که همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها راجع به مشکلات زیست‌محیطی به یک الزام تبدیل شده است. دیوان‌ها و محاکم دائمی به ویژه دیوان دائمی برای حقوق دریاهای نقش مهمی را در تعیین و تثبیت رژیم‌های زیست‌محیطی دارند. ماحصل این تلاش‌ها ظرفیت‌سازی برای نهادهای موجود به منظور پاسخ‌گویی به اختلافات زیست‌محیطی بوده و به نظر می‌رسد که دیوان دائمی داوری صلاحیت ارائه خدمات تخصصی زیست‌محیطی را دارا می‌باشد به ویژه که در سال ۱۹۹۳ اولین شعبه‌ی ویژه حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی را در ساختار داخلی دیوان بین‌المللی دادگستری تأسیس شد. ویژگی اصلی رشد به‌هنگام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ظهور مجموعه‌ای از نهادهای متکی بر معاهدات بوده به ویژه معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی که می‌توانند نقش نظارتی را ایفاء کنند. برخی از موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی به صورت گذرا به نقش نهادهای حل و فصل اختلافات و ترویج تعهدپذیری کشورها تصریح دارند. در این مورد می‌توان به شعبه ویژه حل اختلاف «کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲» اشاره کرد که رژیم خاصی را برای حفاظت از محیط‌زیست دریایی پیش‌بینی کرده است (رمضانی قوام‌آبادی و همکار، ۱۳۹۶: ۹۳۰-۹۲۰).

در ادبیات حقوقی به جهت حفاظت از محیط‌زیست به پاره‌ای اصول حقوقی نوظهور اشاره شده است که مهم‌ترین آن اصل احتیاط است که بر مبنای دکترین خطر به پیش‌بینی مبنای مسئولیت دولت‌ها پرداخته است (برانلی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). اصل حیاتی بعدی، اصل همکاری دولت‌ها برای کاهش تخریب محیط‌زیست و آلودگی است. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ پیش‌نویس مقرراتی را پذیرفت که شامل پاره‌ای تعهدات مهم راجع به خدمات فرامرزی بود که هنوز از جنبه اجرا وضعیت مبهمی دارند. با این حال این سند قصد دارد فعالیت‌های دولت‌ها

1. Gabčíkovo-Nagymaros Project.

را در سرزمینشان تحت نظارت قرار دهد (گلستانی، ۱۳۹۱: ۱۷). اهم این اصول عبارت است از:

۱. اصل حاکمیت دولت در قلمرو زیست‌محیطی خویش ۲. اصل همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط‌زیست
 ۳. اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست ۴. اصل جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست ۵. اصل احتیاط در بهره‌گیری از طبیعت ۶. اصل پرداخت خسارت توسط آلوده‌ساز ۷. اصل اطلاع‌رسانی و کمک در حوادث اضطراری زیست‌محیطی ۸. اصل اطلاع‌رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون مرزی آلودگی‌ها.
- این اصول قادرند باعث استحکام و جامعیت مقررات محیط‌زیست گردیده و موجب تبدیل این قواعد از قواعد غیر الزام‌آور و توصیه‌ای^۱ به قواعد الزام‌آور توأم با ضمانت اجرا^۲ شوند.

۱-۱- اصل حاکمیت دولت در قلمرو زیست‌محیطی خویش

این اصل از اصول کلاسیک حقوق بین‌الملل بوده که دولت را تنها موجودیت دارای صلاحیت انحصاری در قلمرو خویش معرفی می‌کند. این قلمرو شامل حوزه‌ی هوایی، خشکی‌ها، مناطق دریایی از جمله آب‌های سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه مجاور است. این اصل به رسمیت شناخته شده که دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، منشور سازمان ملل متحد و پاره‌ای از اصول کلی حقوق دارای صلاحیت حاکمیتی برای استفاده از منابع طبیعی و تعیین سیاست‌گذاری استفاده و یا واگذاری از این منابع هستند.

در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست این موضوع ثابت شده که مسائلی نظیر مهاجرت‌های فصلی گونه‌های جانوری، ذخایر آبزیان و ماهی‌ها، آلودگی دریاها و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و هوا نشانگر فرامرزی بودن اهمیت محیط‌زیست است. بدیهی است در پرتو تفسیر مترقیانه از مقتضیات روابط بین‌الملل، دولت‌ها دیگر تنها فعال مایشاء در داخل قلمرو سرزمینی خود نیستند و تعهدات فرا سرزمینی دارند.^۳

۱-۲- اصل همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط‌زیست

بدون شک اصل همکاری بین‌الدول برای حفاظت از محیط‌زیست و رفع آلودگی‌ها یک اصل حیاتی است به‌ویژه در خارج از حوزه صلاحیتی آن‌ها. حل برخی مشکلات و فجایع زیست‌محیطی از عهده یک کشور به تنهایی ممکن نیست و گاهی اوقات پاسخ‌ها باید جمعی باشد (جلالیان، ۱۳۹۴: ۵۱).

بر همین اساس دولت در قالب معاهدات یا پیمان‌نامه‌های بین‌المللی و همچنین ایجاد نهادهای بین‌المللی تخصصی (به صورت یکی از ارکان فرعی سازمان ملل) در صدد همکاری با یکدیگر هستند. این تعهدات به صورت خاص برای نظارت، کاستن و جبران خطرات آلودگی‌ها یا تخریب محیط‌زیست به صورت خطرناک (زلزله، آتشفشان، سونامی‌ها، رانش زمین و بالا آمدن آب‌ها) صورت گرفته است که می‌بایست اجرا شوند. این تعهدات مبتنی بر همکاری، در برگیرنده تبادل یافته‌های عملی، آمارها، یافته‌ی تحقیقات و اجرای کلی عملیات ترمیم و بازسازی مناطق در آستانه‌ی

1. Soft law.
2. Hard law.

۳. مستنبط از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن ۱۹۶۹.

نابودی کامل یا آلوده است. توجه کردن به مناسبات منطقه‌ای، ملاک‌ها، معیارها و راهکارها از نشانه‌های همکاری نظام‌های سیاسی است که به‌طور عادی به صورت یک سازمان بین‌المللی به مرحله اجرا در می‌آیند.

۱-۳- اصل حفاظت و حمایت از محیط‌زیست بین‌المللی

یکی از اصول پذیرفته شده، این است که مدیریت کشورها در حیطه‌ی محیط‌زیست باید به نحوی باشد که مزاحم امنیت و آرامش سایر کشورهای همسایه نشوند. بر همین اساس، تعهدات دولت‌ها در حیطه‌ی محیط‌زیست همه موارد هوایی، دریایی و زمینی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنین در موارد مربوط به امور دریایی، زمینی و هوایی، محیط‌زیست و همچنین حفاظت از جانوران در معرض نابودی، تکلیفی جمعی و همگانی وجود دارد که دولت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند. به عبارتی دیگر تکلیف دولت‌ها در این زمینه، تکلیف جمعی و همگانی^۱ است. بنابراین حفاظت از اکولوژی گیاهی و جانوری، حفظ تنوع ژنتیک و ژنوم گیاهی و جانوری و تلاش برای پایداری آن‌ها از اهم استراتژی‌های جهانی حفاظت از محیط‌زیست قلمداد می‌شود. این اصل زمانی قابل اجراء است که با نظارت و کنترل مستمر توأم گردد (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۳).

در این راستا اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۲ مقرراتی را به تصویب پارلمان اروپا رساند که در میزان صید انواع ماهی از لحاظ تناژ محدودیت‌هایی را مقرر کرد و آرای چندی نیز از سوی دیوان دادگستری اروپایی در مانحن فیه صادر شده است. (Caddel, 2010: 300)

۱-۴- اصل جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست

در موضوعات مربوط به محیط‌زیست بین‌المللی یک اصل اساسی وجود دارد که پیشگیری از جبران خسارت آسان‌تر است. مخصوصاً زمانی که مسئله آلودگی محیط‌زیست مطرح است. ساختن تجهیزات غول‌پیکر در حیطه حمل‌ونقل دریایی چند جداره و ماشین‌های حامل نفت نیز از جمله اقدامات پیشگیرانه است. این اصل کلی بیان می‌دارد که فعالیت‌های اقتصادی کشورها در حوزه‌های تخصصی، دولتی و فراملی یا چندملیتی نباید به گونه‌ای باشد که موجب ورود خسارت پایدار به محیط‌زیست شود. در این خصوص مجلس اعیان انگلستان در یکی از آرای نهایی خود مقرراتی را برای اعمال بیمه محیط‌زیست وضع نمود. این رأی مربوط به «قضیه‌ی شرکت بیم لکزینگتون» به طرفیت «شرکت بیمه آگف و شرکت بین‌المللی بیمه واشابا» مسئولیت محدود بود که خواننده به پرداخت ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار به نفع خواهان از جهت خسارات وارده به محیط‌زیست محکوم شد (Thornton, 2010: 318).

۱-۵- اصل احتیاط در بهره‌گیری از طبیعت

این اصل از دولت‌ها می‌خواهد که در مکان‌ها یا مناطقی که احتمال وجود خطر وجود دارد باید نواقص اجرای پروژه‌ها و طرح‌ها رفع گردد و پرهزینه بودن رعایت استانداردهای حفاظتی نمی‌تواند به عنوان دلیلی برای کاهش آستانه حفاظت

از محیط‌زیست تلقی گردد. این اصل با شعار ممنوعیت آسیب‌رسانی به محیط‌زیست از دولت‌ها می‌خواهد نقش مداخله‌گر و ارزشمندی را در رابطه با محیط‌زیست ایفاء نمایند.

سازمان صلح سبز یکی از موفق‌ترین و اثرگذارترین سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌ی محیط‌زیست می‌باشد که در نتیجه‌ی اقدامات نمادین این سازمان تحولات بسیاری در بهبود وضعیت محیط‌زیست و رعایت اصل احتیاط به وقوع پیوسته است. قطعاً به کارگیری اصل احتیاط در پروژه‌ی اصلاح ژنتیکی ساختارها^۱ حاصل تلاش‌های مشترک دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی است (جعفری و همکار، ۱۳۹۵: ۲۰۰-۱۹۵).

۱-۶- اصل جبران خسارات توسط آلوده‌ساز

این اصل بر این نکته تأکید دارد که مسئولیت بر مبنای نوع عملکرد است. بنابراین شخصی که مسئول بروز آلودگی و خسارت شناخته شده باید از عهده پرداخت هزینه‌های رفع خسارت برآید. بدیهی است استفاده از انواع بیمه‌ها جهت جبران خسارت به موجب رأی محاکم یا کمیسیون‌ها و دیوان‌های بین‌المللی و داوری از مناسب‌ترین شیوه‌های جبران خسارات و حتی کاهش آلودگی‌هاست.

در این حالت فرض قانون این است که آلوده‌کننده باید به نحوی برنامه‌ریزی نماید که هزینه‌ی رفع آلودگی احتمالی و هزینه خدمات یا کالاهای ساخته شده را محاسبه کند. بدین ترتیب پذیرش اصل مسئولیت پرداخت آلوده‌ساز به نوعی، افزایش میزان مشارکت تولیدکنندگان در حفاظت از محیط‌زیست است.

۱-۷- اصل اطلاع‌رسانی و کمک در حوادث اضطراری زیست‌محیطی

دیوان بین‌المللی دادگستری در «قضیه‌ی تنگه کورفو» اختلاف دو کشور انگلستان و آلبانی در سال ۱۹۴۹ اعلام کرد که: «اصل اطلاع‌رسانی نسبت به خطراتی که ممکن است محیط‌زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد به عنوان یک تعهد متوجه دولت‌ها است.» بنابراین دولت‌ها باید تلاش نمایند به موقع و بلافاصله بعد از حدوث فجایع زیست‌محیطی دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را مطلع نمایند تا از گسترش خطرات و آلودگی‌ها جلوگیری نمایند. کشورهای اروپایی با قانون‌گذاری در سطح ملی شیوه‌های دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی بین دولت‌های عضو را پیش‌بینی و توصیه کرده‌اند (ضیایی، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

در فاجعه‌ی «چرنوبیل» در ۱۹۸۶ شوروی از اطلاع‌رسانی به موقع به کشورهای دیگر خودداری کرد و در نتیجه حجم خسارات زیست‌محیطی بسیار بالا گرفت. سازمان ملل متحد در کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲ این تکلیف را به صورت تعهد الزام‌آور مطرح کرد که دولت‌ها باید مشترکاً طرح‌های اضطراری را برای جلوگیری از حوادث آلوده‌ساز پیش‌بینی کنند (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۳).

۱-۸- اصل اطلاع‌رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون مرزی آلودگی‌ها

این اصل متذکر می‌گردد که دولت‌ها باید آمادگی داشته باشند که اطلاع‌رسانی نمایند حتی اگر این فعالیت‌ها به وسیله

سازمان‌های غیردولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات چندملیتی دست‌اندرکار انجام شود. این اطلاع‌رسانی باید قبل و بعد از وقوع حوادث به صورت مرتب و پیشگیرانه اعلام گردد.

بر مبنای کنوانسیون حقوق همبستگی با توجه به این مسئله که هر انسانی از این حق برخوردار است که خواستار یک محیط‌زیست سالم باشد. این اصل یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود. به طور مشخص هر فرد حقیقی از این حق برخوردار است که با رجوع به محاکم داخلی بتواند در موضوعات رفع آلودگی اقامه‌ی دعوا نماید. به این دلیل که در حیطه‌ی رفع آلودگی‌های محیط‌زیست بحث تابعیت یا عدم تابعیت اهمیتی ندارد. البته در برخی از کشورها من جمله اتحادیه‌ی اروپا حق دادخواهی برای داشتن هوای سالم و زندگی در محیط آرام برای اعضا به رسمیت شناخته شده و جزء حقوق مسلم بشری محسوب می‌شود (حسینی و همکار، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۳۲).

بدون شک حفاظت از محیط‌زیست به تدریج در حال تبدیل به یک قاعده‌ی آمره حقوق بین‌الملل عام است و برای کلیه‌ی اشخاص ذینفع حق دادخواهی را نزد محکمه‌ای که در حوزه‌ی آن خسارت وارد شده را ایجاد می‌کند (حسینی و همکار، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۳۲). بدیهی است که تعهد دولت‌ها به مشورت، اطلاع‌رسانی حوادث خطرناک، پیشگیری و جبران خسارات زیست‌محیطی از بهترین مصادیق اصل حسن نیت است. بسیاری از اسناد بین‌المللی بر انجام تعهدات هشتمگانه تصریح دارند از جمله: ماده‌ی دو منشور سازمان ملل متحد، اصل دوم و ۱۵ اعلامیه‌ی ریودوژانیرو مواد ۱۹۸، ۱۹۴ و ۱۹۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۹۲ راجع به تنوع بیولوژیک، اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم، قضیه‌ی داوری دریاچه لنوکس، اختلاف فرانسه و اسپانیا، قطعنامه‌ی ۲۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده‌ی ۳۰ منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، کنوانسیون ۱۹۸۵ آ.سه.آن، کنفرانس ۱۹۹۲ تغییرات آب‌وهوا، کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن و پروتکل ۱۹۸۷ مونترال، قضیه‌ی تنگه کورفو، کنفرانس ۱۹۸۶ درباره‌ی اطلاع‌رسانی فوری و کمک به هنگام سوانح هسته‌ای یا موارد اضطراری، بند دوم ماده‌ی دو کنوانسیون ۱۹۹۲ حمایت از محیط‌زیست دریایی آتلانتیک شمالی (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۴). بدون شک دیدگاه دولت‌ها در باب محیط‌زیست تغییر یافته و تنها منحصر به رفع آلودگی نیست چرا که این باور وجود دارد که هم اکنون به محیط‌زیست در روابط بین‌الدول از جنبه‌ی نظم عمومی بین‌المللی نگرسته می‌شود تا همبستگی بین کشورها خدشه‌دار نشود (نجفی اسفاد و همکار، ۱۳۹۱: ۲۱۵-۲۰۴).

۲- تعهدات و مسئولیت‌های عام‌الشمول دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست

علی‌رغم این که در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای پیش‌بینی نشده که دولت‌ها را ملزم به عقد معاهده و پذیرش تعهدات بین‌المللی نماید با این حال برای جامعه‌ی بین‌المللی قابل پذیرش نیست که پاسداری از ارزش‌های انسانی صرفاً متکی بر توافقات دولت‌ها باشد.

یکی از مصادیق این گونه الزامات ماده‌ی ۱۰۳ منشور است که ناظر بر اولویت تعهدات ناشی از منشور بر موافقت‌نامه‌های دوجانبه بوده و محدودکننده اراده دولت‌هاست (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۹۷). بدین ترتیب در جامعه بین‌المللی هنجارهایی دیده می‌شود که مقررات حقوق بین‌الملل بر آن‌ها استوار است. هنجارهای مزبور که از آن‌ها به

عنوان تکالیف فراگیر بین‌المللی و قواعد آمره یاد می‌شود اصولی هستند که فراتر از اراده دولت‌ها هستند و از نظر شمولیت تمامی دولت‌های جهان را متعهد و مکلف می‌نماید. بخشی از هنجارهای پذیرفته شده در جامعه‌ی بین‌المللی چنان مهم هستند که تمامی ملل متمدن دنیا اعتبار آن‌ها را پذیرفته‌اند. این اصول و ارزش‌ها کم‌تر رنگ و بوی سیاسی دارند و همین مسئله، یکی از مزیت‌هایی است که باعث می‌شود تا الزام‌آور باشند و همه دولت‌ها نسبت به رعایت آنان احساس تکلیف نمایند. این مسئله به طور مشخص با نظم عمومی بین‌المللی نیز در ارتباط قرار دارد.

۲-۱- تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

هیچ مبحثی در حقوق بین‌الملل به اندازه ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه‌های گوناگون خوشایند نیست. برای تحقق همبستگی بین‌المللی لازم است دولت‌ها با حسن نیت ارزش‌های بین‌المللی را که نماد حمایت از حقوق بشر است به ویژه در زمینه‌ی محیط‌زیست ارج نهند.

درست است که حفاظت از محیط‌زیست بدون مشارکت جامعه‌ی بین‌المللی، نهادهای دولتی و خصوصی، مردم و دولت‌ها قابل تحقق نیست اما دولت‌ها به عنوان تابعین اصیل و سنتی حقوق بین‌الملل جایگاه برجسته‌ای در رعایت موازین محیط‌زیست دارند. دولت‌ها متعهدند با همکاری یکدیگر و به نحو مؤثر از ایجاد و انتقال مواد یا تأسیسات آلوده‌کننده از کشورهای مولد آلودگی به کشورهای جهان سوم اجتناب ورزند و هزینه‌های مبارزه با آلودگی را بپردازند.

بنابراین سیاست محیط‌زیستی کشورها باید در جهت تصویب توانایی‌های بالقوه دول فقیر باشد. آموزش عمومی مردم، تبادل اطلاعات بین کشورها و انتشار دستاوردهای علمی راجع به محیط‌زیست از اهم تعهدات دولت‌ها در بخش محیط‌زیست است در این راستا می‌توان از روح منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل الهام گرفت. دولت‌ها باید در ارتقای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و جبران خسارات آلودگی اعم از داخلی و فرامرزی کوشا باشند. انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه از اهم اقدامات بین‌المللی دولت‌ها در راستای حفاظت از محیط‌زیست است، اما اولویت با تأسیس دیوان بین‌المللی محیط‌زیست است.

برخی بر این باورند که اصول مربوط به تکالیف و تعهدات عمومی دولت‌ها در منشور زمین خطاب به نسل‌های حال و آینده است حال آن‌که تصویب قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست از اهم وظایف دولت‌هاست تا تضمین نمایند که این مقررات به نحو مؤثر اجرا شوند.

مطابق قواعد، دولت‌ها بر این عقیده هستند که مانع تداوم اعمال زیان‌باری نظیر تخلیه‌ی فضولات سمی یا قطع درختان و هر نوع فعالیتی هستند که تخریب محیط‌زیست را در بردارد. روشن است برگرداندن وضع به حالت اول مناسب‌ترین شیوه جبران خسارت است. دولت‌ها مکلف هستند از ابزارها و تاکتیک‌های جنگی که به محیط‌زیست خسارت شدید وارد می‌کند، خودداری نمایند که عدم توجه به آن به مثابه‌ی جنایت جنگی است. به نظر می‌رسد این رویکرد که به تعهدات دولت‌ها در زمینه‌ی حفظ محیط‌زیست اشاره می‌کند، نه به شکل انفرادی، بلکه در مقابل همه اعضای جامعه‌ی بین‌المللی قرار می‌گیرد که در واقع به معنای آن است که امروزه مسائل محیط‌زیستی یک تهدید

امنیتی برای دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود.

روشن است که حمایت دولت‌ها از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب و آلوده‌سازی محیط زندگی، یک تعهد واضح برای آنهاست. علاوه بر این، دولت‌ها باید از محیط‌زیست به‌طور برابر بهره‌برداری کنند؛ به شیوه‌ای که فرصت استفاده یکسان و مساوی از منابع طبیعی را برای همه دولت‌ها فراهم آید. ضمن این که دولت‌ها تکلیف دارند که شرایط طبیعی زندگی را با تغییرات نامساعدی مواجه نکنند که سلامت انسان و بهزیستی جمعی را با صدمه روبرو سازد. تعهد فراگیر همکاری در مسائل مربوط به محیط‌زیست، از جمله اطلاع‌رسانی وقوع حوادث، مشاوره جستن برای پیدا نمودن راه‌حل‌ها، مذاکرات و همکاری یک اصل مشترک در اغلب رویدادهای محیط‌زیستی است، زیرا که محیط‌زیست، میراث مشترک بشریت است که دولت‌ها تنها صاحب حق در استفاده از منابع آن نیستند.

علاوه بر این دولت‌ها متعهد هستند که حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را نیز رعایت کنند. به این معنا که هدف از جنگ ممکن است شکست وی باشد و نباید به تخریب محیط‌زیست منجر شود. لازم به ذکر است که این توافقات هم اکنون تحت عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست قلمداد می‌شوند. نهاد شورای امنیت در قطعنامه‌ی ۵۴۰ مصوب ۱۹۸۳ از دولت‌های درگیر خواسته است که از انجام اعمالی که باعث خدشه به صلح و امنیت منطقه و حیات وحش و گیاهان شوند، خودداری نمایند (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۰).

همچنین دولت‌ها مکلف هستند همکاری‌های مربوط به خلع سلاح را به مدنظر قرار دهند و با عبور از مرحله مذاکره، به شکل عملی در زمینه کاهش سلاح‌های هسته‌ای غیرمتعارف در سطوح مختلف با هدف نهادی نابودی این سلاح‌ها عمل نمایند. ضمن این که دولت‌ها باید هر نوع آزمایش هسته‌ای را متوقف سازند (موثقی، ۱۳۸۸) به نقل از ظریف و همکاران، سال ۱۳۷۵: ۳۳۳). به این دلیل که اعمال مربوط به سلاح هسته‌ای منجر به گسترش تلفات انسانی و خطرات محیط‌زیستی می‌شوند. یکی دیگر از تعهدات دولت‌ها این است که بتوانند باعث پیشگیری از ورود خسارات جهانی شوند و درصدد کاهش آثار خسارات ناشی از اعمال زیست‌محیطی باشند. بنابراین در مواردی که احتمال خسارات پدید آمده زیاد باشد، دولت‌ها وظیفه دارند که با توسل به یافته‌های علمی نسبت به رفع خطرات و تلفات احتمالی فرایندهای عملی خود اقدام نمایند. همچنین دولت‌ها باید در کوتاه‌ترین زمان، نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی طرح‌های عمرانی خود آگاه باشند و از انجام هرگونه فعالیت تخریبی که سلامتی انسان، گیاه، زمین، هوا، آب و خاک را به خطر بیندازد، خودداری نماید.

در همین راستا دولت‌ها مکلف هستند با گسترش همکاری‌های بین‌المللی حفظ و نگهداری از محیط‌زیست را بر عهده بگیرند و خود را به عنوان یک عضو ذینفع در این تحولات در نظر بگیرند. همچنین دولت‌ها در این راه از فعالیت‌های تخصصی، علمی و عملی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط و سازمان‌های غیردولتی استفاده کنند و به ابزارهای حقوقی برای نگهداری از محیط‌زیست متوسل شوند. در برخی از نظریات قضایی و بین‌المللی به تعهدات دولت‌ها در این زمینه به‌صراحت اشاره شده است. در طرحی شکایت که استرالیا از فرانسه داشته است موضوع مورد مناقشه این بوده که انجام آزمایشات هسته‌ای که به دلیل انفجارات آزمایشی سلاح‌های هسته‌ای فرانسه و پخش مواد رادیواکتیو

ناشی از فعالیت‌های روزمره کشتی‌ها، هواپیماها در دریاهای آزاد بوده است، اثرات نامطلوبی برجای گذاشته است. بنابراین به دلیل مصائب ناشی از آلودگی، کشور فرانسه باید متعهد شود که از تداوم آزمایشات خودداری نماید (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود تحت عنوان آزادی فراگیرتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه در سال ۲۰۲۵ میلادی، پیشنهاد داد که موضوعات مربوط به محیط‌زیست می‌بایست در سطح جهان و در تمامی نشست‌ها و جلسات مورد بحث قرار گیرد و حتی در دستور کار اصلی باشد. همچنین کشورها به صورت فراگیر می‌بایست از عضو شدن در معاهدات، کنوانسیون‌ها و کمیسیون‌های تخصصی محیط‌زیست خرسند باشند و از این موضوع استقبال خوبی به عمل آورند. ضمن این‌که دولت‌ها باید نگرانی‌های زیست‌محیطی را در قالب تصمیم‌گیری‌های کلان، برنامه‌ها و اسناد چشم‌انداز مورد توجه ویژه قرار دهند. علاوه بر این، دولت‌ها باید نسبت به احیای همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی که کمتر مورد توجه است، اقدام نمایند و از انجام فعالیت‌هایی که منجر به بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری این اسناد می‌شوند، جلوگیری کنند. این خواسته‌ها عملی نخواهد شد، مگر این‌که دولت‌ها نسبت به تعامل با آژانس‌های جهانی دست‌اندرکار در محیط‌زیست همکاری بیشتری نشان دهند.

از جمله مهم‌ترین اهداف اعلامیه‌ی هزاره جدید در سال ۲۰۰۰ ایجاد شرایط ضمانتی برای فراهم ساختن تداوم محیط‌زیست بود که نیازمند تلاش و وفاق کشورهای مختلف در سطح جهان است. برای بهره‌مندی از کشاورزی پررونق، آب آشامیدنی سالم، استفاده از منابع دریایی و حیات سالم نیازمند برخورد مسالمت‌آمیز نسبت به محیط‌زیست است. دولت‌های مختلف برای حفظ تنوع زیستی باید به نسبت به معاهدات کنوانسیون تنوع زیستی و تعهدات ژوهانسبورگ، متعهد باشند و عضو این تعهدات شوند. روشن است پایبندی به عملی ساختن کنوانسیون‌های محیط‌زیستی همانند «پروتکل کیوتو ۱۹۹۷» و «کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل ۲۰۰۵»، گام‌های اولیه‌ای برای موفقیت این تحولات مربوط به (احیای جهانی محیط‌زیست) خواهد بود.

شواهد موجود نشان می‌دهند که برخی از کشورها به بخشی از تعهدات زیست‌محیطی الزامی نشان نمی‌دهند و این دولت‌ها در مواردی نظیر آگاهی درباره فعالیت‌های اقتصادی همراه با آلودگی‌های زیان‌بار زیست‌محیطی فعالیت مؤثری انجام نمی‌دهند. به این دلیل که دولت‌ها با توجیحات مختلفی مانند حفظ منافع ملی، در موضوع اطلاع‌رسانی به موقع اجتناب می‌نمایند و کشورهای بی‌تأثیر قربانی آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌گردند. این کشورها به منافع خود بیشتر اهمیت می‌دهند و نسبت به ارزش‌های مشترک و عام جامعه‌ی بین‌المللی توجهی نشان نمی‌دهند. در ماجرای کانال کورفو ۱۹۴۹ دیوان اعلام کرد که کشور آلبانی می‌بایست کشورهای دیگر را از وجود مین دریایی آگاه می‌ساخت (ضیائی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳). بر مبنای روح اعلامیه‌ی استکهلم مصوب ۱۹۷۲ دولت‌ها وظیفه دارند از سرزمین خود به نحوی بهره ببرند که باعث خسارت به محیط‌زیست سایر کشورها در خارج از حوزه‌ی صلاحیت سرزمینی کشورهای استفاده‌کننده نگردد.

با عنایت به این‌که منشأ بسیاری از آلودگی‌های وسیع زیست‌محیطی، فعالیت کشورهای صنعتی می‌باشند، از این روی، مسئولیت حقوقی و اخلاقی مقابله با تغییرات آب‌وهوا و عواقب ناشی از تخریب محیط‌زیست بر عهده آنان است و یا بیش از سایر کشورها متوجه آنان است. به همین دلیل دولت‌ها باید اطلاعات روزانه‌ای از اقدامات صورت گرفته

از جمله فعالیت‌های انسانی را به صورت نمودار ارائه کنند، عملیات زیست‌محیطی را به صورت دوجانبه یا چندجانبه به مرحله عملی درآورند، اطلاعات عمومی را افزایش دهند، تصمیمات زیست‌محیطی را از حالت مشاوره و غیر الزام‌آور به الزام‌آور و سخت‌گیری تغییر دهند، منابع مالی و متناسب معرفی نمایند و در راستای جلوگیری از استهلاک آن اقدام نمایند، تکنولوژی جدید انرژی را به کشورهای در حال توسعه نیز منتقل نمایند، انتقال و فروش کالا و خدمات‌شان را به ارائه یک سیاست زیست‌محیطی صحیح منوط نمایند و هیچ‌یک از کشورهای نسبت به مسئولیت خود بی‌توجهی نکنند و مخصوصاً نسبت به کنترل جمعیت دنیا واکنش نشان دهند.

بدون تردید برای به اجرا درآوردن مقررات حقوق بین‌الملل درباره‌ی محیط‌زیست ملزم می‌باشد نسبت به برخی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در مرحله‌ی عمل یاری برساند. این تعهدات عبارت‌اند از:

۱. ایجاد نهادهای بین‌المللی به ویژه نهادهای آگاهی‌رسانی و دیوان‌های بین‌المللی قضایی با نیت نظارت بر فعالیت کنوانسیون‌های عمومی و خصوصی زیست‌محیطی؛
 ۲. استفاده از تریبناط منطقه‌ای برای رفع اختلافات بین‌المللی کشورها که با موضوع محیط‌زیست هستند و همچنین مواجهه‌ی سریع با تخریب‌ها و آلودگی‌های فراملی؛
 ۳. تأسیس سازمان‌های مدیریتی همگون برای تصمیم‌گیری و تدابیر مشترک و قابل انجام؛
 ۴. استفاده از نظریات مشورتی و اجرایی نهادهای غیردولتی در جمع‌آوری اسناد زیست‌محیطی که با داشتن آگاهی تخصصی می‌توانند مسیر فعالیت دولت‌ها را هموار سازند.
 ۵. گسترش صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با شاخه‌های مشارکت‌های علمی، جمع‌آوری داده‌ها، تأسیس سازمان اداری واحد و متمرکز، بسترسازی فرهنگی و اجرایی کردن آنان (کیس و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۹).
- همان‌طور که «قاضی ویرامتری» در نظریه‌ی مخالف خود در رأی مشورتی دیوان در قضیه‌ی مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۹۹۶ اعلام کرد هدف عمده‌ی حفاظت از محیط‌زیست، حمایت از حیات و حقوق نسل‌های آینده است (گلستانی، ۱۳۹۱: ۱۷). همان‌نسلی که هر آنچه را که ما بکاریم آن‌ها درو خواهند کرد و به راستی که ما کوه‌ی زمین را از والدینمان به ارث نمی‌بریم بلکه آن را از بچه‌هایمان عاریه می‌گیریم.

۲-۲- تعدیل اراده دولت‌ها در پذیرش و اجرای کنوانسیون‌های حفاظت از محیط‌زیست

نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در «ماجرای لوتوس» که در سال ۱۹۲۷ م. رخ داد بر اولویت توانایی دولت‌ها در قبول کردن تعهدات و همکاری‌های بین‌المللی داشته است. این ماجرا، این اصل مهم را برجای نهاد که حاکمیت پیش برنده‌ی تعامل دولت‌ها با نظام بین‌المللی می‌باشد؛ اما رویدادهای ۸۰ سال گذشته حاکی از آن است که این رویه، حداقل در زمانه کنونی نباید همانند گذشته به عنوان امری مقدس مدنظر باشد. امروزه امور زندگی به سوی جهانی شدن ارزش‌ها و اقتصاد گام بر می‌دارند (نتیجه‌ی اجلاس داوز سویس در یک دهه‌ی قبل) و این رویه، برای عملی شدن، مبارزه سخت همراه با رضایت و حاکمیت دولت‌ها را، در مفهوم پیشین و قدیمی خود شروع نموده است.

بدون تردید وارد شدن دولت‌ها در همکاری‌ها و تصمیمات بین‌المللی، استقبال از نظارت سازمان‌های بین‌المللی

همه‌شمول از فعالیت‌های هسته‌ای، تغییر مواضع در خصوص نقض حقوق بشر، ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی و مدنظر قرار دادن قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در عمل، اهمیت قائل شدن به اصل همبستگی میان دولت‌ها که صلح و امنیت بین‌المللی را گسترش می‌دهد، همان هدفی نهایی‌ای است که نظام حقوق بین‌الملل به دنبال محقق کردن آن است. اگر عادلانه توجه بنمایند موفقیت‌های حقوق بین‌الملل بسیار بیشتر از ناکامی‌های آن است.

همین اندازه که کشورها برای تحقق منافع مجبورند تابع مقررات حقوق بین‌الملل شوند باریقه‌ای از امید را در دل‌های شش میلیارد نفر ساکن زمین روشن می‌کند. برای هزاران سال این شعار که حاکم خطا نمی‌کند و مسئولیت ندارد همانند اصل غیرقابل‌خداشه ابزار فرمانروایی سلاطین مستبد و استعمارگر و هژمون بود. اما وقتی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی با تصویب کنوانسیون‌های متعدد^۱ و اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی^۲ می‌پذیرند که همه افراد بدون لحاظ سمت رسمی آنان قابل محاکمه و مجازات هستند از تکامل حقوق بین‌الملل و ارتقاء نگرش‌های جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل به خود می‌بالیم.

بدون تردید مسئولیت‌های سازمان بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جهانی‌سازی، ایجاد دیوان‌های کیفری بین‌المللی، آگاهی یافتن از فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای مختلف با هدف راستی‌آزمایی فعالیت آنان و نظارت دائم بر رعایت حقوق بشر و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در کشورهای مختلف حاکی از اتمام حاکمیت مطلق دولت‌ها در عصر نوین است که به مرور زمان بر اعتبار و مقبولیت اصول حقوق بین‌الملل می‌افزاید. این همان آینده روشن جامعه بین‌المللی است که سال‌ها در صدد رسیدن به آن بود. ضمن این که امروزه وظیفه اصلی نظام حقوق بین‌الملل مستحکم ساختن ارزش‌های مستمر و متناسب با جامعه بین‌المللی در شکل کلی آن است. مراعات ساختن اصول جدید در مراقبت از محیط‌زیست از مهم‌ترین تعهدات مرتبط در این زمینه است (زمانی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۳-۲۲). خواسته یا ناخواسته شاهد تکرار حقوق بین‌الملل بوده که به استحکام بنای مستقل هر یک از حوزه‌های اصلی حقوق بین‌الملل می‌انجامد و این استقلال منوط به پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی بوده که رعایت مقررات حقوق بین‌الملل را در شاخه‌های متنوع تضمین می‌کند. این همان نتیجه‌ای است که قضات محاکم گوناگون بین‌المللی در آرای خود به منزلت حقوق بین‌الملل تصریح دارند. شاید یکی از بهترین شیوه‌های کارکرد حقوق بین‌الملل بهره‌گیری از چارچوب مدیریتی نظام حقوق بین‌الملل برای هدایت سیاست‌های کلان دولت‌ها در زمینه‌ی محیط‌زیست است. به نظر می‌رسد که جامعه‌ی بین‌المللی تدریجاً موفق به تحقق حاکمیت جهانی حقوق در بسیاری از حوزه‌ها از جمله محیط‌زیست شده است.

نتیجه‌گیری

امروزه یکی از جنبه‌های خطرناک، تخریب و زوال گسترده محیط‌زیست می‌باشد به خصوص در هنگام فعالیت‌هایی همچون تأسیس کارخانجات مواد شیمیایی و بروز مخاصمات و درگیری‌ها، اولین و ضعیف‌ترین قربانی، طبیعت و محیط‌زیست می‌باشد. لذا در راستای حمایت از محیط‌زیست و به‌طور خاص، محیط‌زیست بین‌المللی، کشورها و

۱. پیش‌نویس اساسنامه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها.

۲. ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: ۱. ... سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخاباتی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری به موجب این اساسنامه معاف نخواهد کرد. برای مطالعه بیشتر نک: آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۵۶۰.

نهادهای حقوقی بین‌المللی، برای صیانت بهتر از محیط‌زیست، دست به تنظیم و تدوین قواعدی برای حمایت از محیط‌زیست زده‌اند. در این راستا معاهداتی بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای تدوین گشته‌اند و تعهداتی الزام‌آور در این خصوص پیش روی دولت‌ها ترسیم کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که به وسیله‌ی آن می‌توان از محیط‌زیست در عرصه‌ی بین‌المللی مراقبت نمود، ایجاد تکالیفی آمرانه برای دولت‌ها در سطوح مختلف است. این تکالیف، در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعهدی است که به هر یک از اعضای جامعه‌ی بین‌المللی، وارد شده که در صورت نقض آن تعهد، مسئولیتی سنگینی برای دولت در جبران خسارات وارده به محیط‌زیست ایجاد خواهد نمود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اصول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات زیست‌محیطی، بازگشت به اصول قدیمی حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد که غالباً آن را تبدیل به یک رژیم مسئولیتی ناکارآمد، در عرصه‌ی محیط‌زیست کرده است. با این وجود، فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل را در این زمینه نباید نادیده گرفت. زیرا که پیش‌نویس ارائه شده توسط کمیسیون، با این که هنوز به تصویب دولت‌ها نرسیده است، اما مسئولیت دولت‌ها و تمامی موارد مرتبط با آن (از جمله راهکارهای جبران خسارت، جهات و عوامل رافع مسئولیت دولت‌ها را به خوبی تبیین و تشریح کرده است و می‌تواند در خصوص انتساب مسئولیت بین‌المللی به دولت‌ها در نقض فاحش زیست‌محیطی ملاک عمل قرار گیرد.

منابع

- برانلی، ایان. (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل در واپسین سال‌های قرن بیستم*، ترجمه: رضایی پیش رباط، صالح، چاپ اول، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- جلالیان، عسکر. (۱۳۹۴). *نارسایی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حمایت از محیط‌زیست بین‌الملل*، مجله راهبرد، ۲۴ (۲)، ۲۳-۵۲.
- جعفری، امین و احمدی، اصغر. (۱۳۹۵). *جایگاه صلح سبز در آموزش عالی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۶ (۲۱)، ۲۰۸-۱۹۵.
- حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۰). *مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، ترجمه: لالا کورو کولاسوریا و نیکلاس راینسون، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- حسینی، سیدمهدی و محمدی، مهرداد. (۱۳۹۶). *واکاوی حق بشر بر محیط‌زیست، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۶ (۱۲)، ۱۵۹-۱۲۷.
- خانه‌ای، علی‌اشرف و رجبی، لیلا، (۱۳۹۵)، *نقش کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چهارمین دوره کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین.*
- رضضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حاجی ملا، هیوا. (۱۳۹۶). *مداخله سازمان‌های غیردولتی به منزله «دوست دادگاه» در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷ (۴)، ۹۱۹-۹۳۶.
- زمانی، سید قاسم و شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). *فرجام حقوق بین‌الملل؛ نوسان میان تکنیک و تدبیر*، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۷). *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*، جلد اول (۱۹۸۶-۱۹۴۸)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ضیایی، سید یاسر. (۱۳۹۳). جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۲)، ۱۹۱-۲۲۴.
- عزیزی، ستار و موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۵). پرونده گابچی‌گوو-ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۳ (۵۵)، ۱۰۶-۱۴۳.
- عزیزی، ستار. (۱۳۹۲). جایگاه ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در حقوق بین‌الملل عام، *مطالعات حقوقی معاصر*، ۴ (۷)، ۹۷-۱۲۲.
- کیس، الکساندر و اچ. سند، پیتر و لانگ، وینفراید. (۱۳۸۴). *حقوق محیط‌زیست*، ترجمه محمد حسن حبیبی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلستانی، محمود و پهلوانی، الهام. (۱۳۹۱). درآمدی بر نگرش اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در حفظ محیط‌زیست، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۹ (۳)، ۲۰۳.
- موثقی، حسن. (۱۳۸۸). تاثیر سازمان ملل متحد بر تعدیل اصل رضایت دولت در التزام به تعهدات بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱ (۲۶)، ۳۱۹-۳۵۴.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۸). توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط‌زیست؛ آورده دیوان بین‌المللی دادگستری، *مجله حقوقی*، ۱۳ (۲۴)، ۵-۲۸.
- نجفی اسفاد، مرتضی و جلالیان، عسکر. (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط‌زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه، *راهبرد*، ۲۱ (۶۳)، ۲۰۵-۲۴۱.

References

- Caddell, R. (2010). Caught in the net: Driftnet fishing restrictions and the European court of justice. *Journal of environmental law*, 22 (2), 301-314.
- Thornton, J. (2010). Significant UK environmental cases: 2009/2010. *Journal of Environmental Law*, 22 (2), 315-334.